

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تیمی از همکاران قلمی
۱۱ اپریل ۲۰۲۲

ولایت های افغانستان در مسیر تحولات اجتماعی – اقتصادی

(۲)

منظره عمومی و پیشینه تاریخی سرزمین افغانستان:

افغانستان کشوری است که به قلب آسیا ملقب گشته است؛ سرزمینی است کوهستانی و محصور به خشکه که در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی و در محدوده آسیای میانه واقع است. افغانستان در چهارراه وسط آسیا واقع شده است. از گذشته های دور تا زمان تشکیل کشور در ۱۷۴۷ م سرزمینی که امروز افغانستان نام دارد، در مقاطع معین تاریخی یا بخشی از قلمرو بزرگ تر بوده، یا مرکز یک قلمرو یا حاشیه آن. در این محدوده جغرافیائی، مرکز قدرت همواره ثابت نبوده است. با همین موقعیت جغرافیائی و سوق الجیشی، افغانستان سرزمینی بوده است که از گذشته های دور تا امروز پای امپراتوران، کشورگشایان، لشکریان متجاوز استیلاگران و اشغالگران استعمارگر را بار بار به سوی خود کشانده و قلم کرده است.

قرار گرفتن کشور و مردم افغانستان در تحت نظام های سخت جان دارای ویژگی درجا زدگی و بازدارندگی تاریخی، انارشی ناشی از انتقال قدرت از دودمان ها و مراکز متعدد توأم با سلطه و قیود رهنانه استعمار، دو عامل درونی و بیرونی عقب نگه داشتگی همه جانبه کشور ما در عرصه های زیربنائی و روبنائی حیات اجتماعی کشور ما بوده است. در نتیجه کارکرد این دو عامل، جامعه ما در چند نوبت، پس از یک سلسله گشایش نسبی، نوآوری و اصلاحات از بالا و با ویژگی های بوروکراتیک توأم با جوشش و درخشش پائینی ها و رادیکال شدن مطالبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در کشور؛ سیر قهقرائی دردانگیزی داشته است که خود یک مورد آن را در ماه های اخیر شاهد بوده ایم – برگشت از گور برخاستگان طالبی و عروج آنان بر سریر امارت اسلامی به کمک امپریالیسم و ارتجاع.

مساحت افغانستان ۶۵۲ هزار و ۲۲۵ کیلومتر مربع و چهل و یکمین کشور جهان از نظر پهناوری به شمار می رود. افغانستان کنونی از شرق و جنوب به پاکستان، از غرب به ایران، از شمال به کشور های نوتشکیل آسیای میانه مثل تاجکستان، ازبکستان و ترکمنستان و از شمالشرق در ناحیه واخان بین ۸۵ الی یکصد کیلومتر با کشور چین هم مرز است. شهر کابل پایتخت افغانستان است. کشور ما در نتیجه تقسیمات اداری اخیر، دارای ۳۴ واحد اداری ولایتی و ۳۳۴ ولسوالی می باشد. افغانستان به طور اوسط ۱۲۰۰ متر از سطح بحر ارتفاع دارد. در مقایسه با مساحتش،

افغانستان یکی از کشور هائی است که بیش ترین کوه های دنیا در آن موقعیت دارد. سلسله کوه های مرتفع هندوکش ستون فقرات کشور ما را تشکیل می دهد و از شمالشرق به سوی جنوب غرب در حدود ششصد کیلومتر امتداد دارد. افغانستان در اثر جنگ های متجاوزان و اشغالگران و ایادی بومی شان، طی بیش از چهار دهه با جنگ، تجاوز نظامی، تعدد مراکز قدرت، کوچ های اجباری داخلی و خارجی، انارشی و ناامنی دست به گریبان بوده است. روی این ملحوظات آمارگیری نفوس کشور به شکل معیاری آن صورت نگرفته است. به طور تخمینی افغانستان بین ۳۶ تا ۳۹ میلیون نفوس دارد. با آنهم در مورد تعداد دقیق نفوس کشور، آرای یکسان وجود ندارد.

افغانستان از نگاه ترکیب قومی یا اتنیک، کشور موزائیکی است که در چهار سوق گستره آن در محدوده های جغرافیائی معینی ملیت ها و اقوام مختلف با پیشینه و سطح تکامل ناموزون تاریخی طی قرون متمادی در کنار هم زیسته اند. اقوام برادر کشور در امر سازندگی و آفرینش تمدن و فرهنگ عمومی و در دفاع از سرزمین اجدادی در برابر استیلاگران و متجاوزان به طور مشترک و متناسب با ظرفیت و سطح تکاملی واحد های ملیتی - قومی، سهم گرفته اند. مگر این حاکمان مستبد و مرتجع و ستمگران و دست نشانندگان استعمار بوده اند که برای حفظ حاکمیت و قدرت سست بنیاد شان و در سده های پسین به دستور استعمار تا توانستند اختلاف، تفرقه و حتی تبعیض نژادی، زبانی، ملیتی و مذهبی را به راه انداخته و دامن زدند. خوشبختانه تا امروز به طور اساسی توده های مربوط به اقوام افغانستان سوای عده ای اهل غرض و مرض، به رغم استخوان شکنی هدفمند استعمار - ارتجاع و تمام تفاوت های فرهنگی و سطوح تکاملی شان، در طول تاریخ در صلح و صفا با هم زندگی کرده اند و هر تضاد و تفرقه افکنی قومی، زبانی مذهبی را که استعمار و سپس امپریالیسم و سران ارتجاع بومی قومی - مذهبی خواسته اند در کشور تشدید کنند، در سطح جا به جایی دودمان ها و تغییر حکومت های دست نشانده قومی توسط اشغالگران و متجاوزان محدود مانده و به طور عمده اصل همدیگر پذیری و زیست باهمی توده های اقوام برادر کشور را در سرزمین واحد آبائی شان، زیر سؤال نبرده است.

پس از دست درازی استعمار انگلیس به قاره آسیا و هند و در امتداد سلطه استعمار و طبق برنامه و سیاست تفرقه افکنانه استعماری، امیر عبدالرحمان خان امیر دست نشانده انگلیس علیه برادران هزاره جنگ قومی و مذهبی را در دوره قدرتش به راه انداخته و لقب "خون آشام" را کمائی کرد؛ پس از حصول استقلال و یک درخشش مستعجل دروه امانی، نادر غدار و خاندانش در اوج سببیت و شرارت، در مجموع در برابر خلق متشکل از اقوام افغانستان و نیرو های روشنفکر مدافع مشروطیت، ترقی و تکامل اجتماعی ستم کرده و جنایت های سنگینی را مرتکب شدند. سپس "خلق و پرچم" و ارباب جهانخوار شوروی آنان در ارتکاب جنایت و ویرانگری از همه جلو زده و بر تمام اقوام افغانستان ستم نابخشودنی کردند. تنظیم های خودفروخته هفتگانه و هشتگانه اخوانی جهادی مربوط به ارتجاع مذهبی، ضمن تمثیل اوج این سببیت، خودفروختگی و جنایت، یکجا با کرزی و غنی و عبدالله مزدور امپریالیست های اشغالگر و حریص غرب و شرق خیانت های بزرگی انجام دادند و تبعیض و تضاد های قومی، زبانی و مذهبی را در کشور دامن زدند.

امروز پروژه نواستعماری طالبانی که به یمن دسیسه و تمهید مشترک امپریالیستی - ارتجاعی با دایرکت امپریالیسم جنایت گستر امریکا به طور عمده، در ارگ پوشالیان قدرت را تصاحب کرده است. گروه خودفروخته و مافوق ارتجاعی طالبان و "امارت اسلامی" اش با دامن زدن تبعیض های ملیتی و زبانی به حکم و فرمان اربابان بیرونی شان در اشکال سیاست ها و رفتار ها و هنجار های فاشیستی، شوونیستی - قومی - جنسیتی؛ طبق برنامه استعماری - ارتجاعی برای دامن زدن مزید تفرقه میان مردم و اقوام برادر کشور آستین بر زده اند و از هیچ روش نکوهیده ای رو گردان نیستند. برنامه محور های بیرونی امپریالیستی و ارتجاعی و یا ائتلافی از هر دو، برای دهه های بعدی در قبال

افغانستان و مناطق مجاور آن در سر چهارراه آسیای میانه، جنوب آسیا و شرق میانه، ابعاد و وجوه اقتصادی، سیاسی، نظامی، اطلاعاتی و فرهنگی دارد. این برنامه استعماری قدرت های بیرونی از هر جایی که مطرح باشد، به بهای غارت منابع، استثمار نیروی کار، فرار سرمایه از کشور، پس مانی مزمن همه جانبه زیربنائی و روبنائی، سوء استفاده از ساحت و موقعیت کشور ما برای تشنج افزائی و تشدید تقابل امپریالیستی - ارتجاعی، اعمال تروریسم دولتی و غیردولتی، تضعیف وحدت ملی ما، تخریب محیط زیست آن و... طراحی شده است.

افغانستان کشوریست کوهستانی. این کوه ها همراه با جلگه ها و وادی های بارور قابل زرع، در ضمن این که سرچشمه و منبع وافر است برای دریا های کشور ما و برای ابقاء و استمرار زندگی مردم ما، خود سرشار است از ذخایر طبیعی و دست نخورده به ارزش تریلیون ها دالر که شامل منرال ها، سنگ های قیمتی، نفت و گاز، مس، آهن، سرب، سلفر، لیتیم، یورانیوم، کوبالت، طلا، فلزات مهم صنعتی مثل "فلزات نادره" که طمع آزمندان و سردمداران نظام های سرمایه داری غرب و شرق را در اوج نیاز صنعت مدرن امروزی بدین مواد ضروری، برانگیخته و به سوی خود جلب کرده است. لذا هر یکی از دول و سازمان های غارتگر امپریالیستی و ارتجاعی دور و نزدیک به تنهایی و یا در قالب یک ائتلاف، به غارت کلی و یا دریافت سهمی از ثروت های نهفته در دل خاک کشور ما، چشم دوخته و برنامه ریزی کرده است.

در میان و در دامنه های سلسله کوه های کشور، جلگه ها و دره های ژرف و پهناور خوش آب و هوا، زیبا و حاصلخیزی وجود دارد که محیط مساعدی را برای کشت و زراعت و دامپروری به منظور تولید حاصلات زراعتی و حیوانی، میسر ساخته است. این جغرافیای طبیعی توأم با باروری، غنا و منابع سرشاری که در فوق شرح اسامی آن رفت، به طور بالقوه پشتوانه و اعتباریست برای تعمیل یک برنامه مستقل تکامل متوازن اقتصادی توسط و در چهارچوب یک نظام اجتماعی - اقتصادی ملی و مردمی در افغانستان واحد در راستای ترقی همه جانبه زیربنائی و روبنائی کشور.

تحقق این برنامه و رسیدن به استقلال و شکوفائی اقتصادی کشور توأم با ترقی اجتماعی، قبل از همه مستلزم زدودن این دو عامل بازدارنده تاریخی، کسب استقلال سیاسی و استقرار سلطه و سروری توده های رنج و کار در نقش تاریخ سازان و مولدان نعمات مادی در یک افغانستان نوین آزاد و پیشرو، میسر است.

ادامه دارد